



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره چاپ 1267

شماره ثبت 530

دوره دهم - سال سوم

تاریخ چاپ 1397/10/23

یک شوری

طرح اصلاح قانون شوراهاى حل اختلاف

کمیسیون‌های ارجاعی

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی: امنیت ملی و سیاست خارجی

معاونت قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضای 80 نفر از نمایندگان رسیده است، جهت طی مراحل قانونی تقدیم می شود.

مقدمه (دلایل توجیهی):

توجه به ماده (189) قانون برنامه سوم توسعه این حقیقت را آشکار می کند که جهت گیری اصلی قانونگذار در قانونی کردن ایده شوراهای حل اختلاف، کم کردن تراکم دعاوی در محاکم است. این جهت گیری بر پیشانی مقرر قانونی ظاهر شده است. بقای این نهاد با وجود همه مخالفت های آشکار و نهان در محافل حقوقی و قضائی، دلالت بر درستی ایده قانونگذار دارد. حال که چنین است برای تحقق جهت گیری قانونگذار ضرورت دارد قوانین و مقررات موجد مشروعیت این نهاد متناسب با اقتضائات میدانی امر در جهت تسهیل انجام امور به روزرسانی شود و آزمایشی بودن مدت اجرای قانون شوراهای حل اختلاف مصوب 1394 خود زمینه به روزرسانی و منطبق سازی قانون با شرایط میدانی آن را فراهم کرده است. بنابراین از جهات میدانی زیر، اصلاح بعضی از مقرره های قانون سال 1394 ضرورت دارد؛ امری که رئیس محترم قوه قضائیه آن را عطف نظر خویش قرار داده است.

1- جهت توسعه قلمرو ماده (7):

هدف از وضع ماده (7) قانون سال 1394، پرهیز از اختلاط مشاغل حاکمیتی و عضویت در شورای حل اختلاف و جلوگیری از ایجاد شبهه سوء استفاده از قدرت و منصب در انجام وظایف محوله است. از آنجایی

که مناصب و مشاغل همترازی وجود داشت که در ماده (7) قانون سال 1394 بیان نشده بود در ماده (7) طرح اصلاحی این امر بیان شده است. به عنوان مثال، کارکنان دفاتر خدمات قضائی به ماده (7) اضافه شده‌اند. این مناصب اگر چه حاکمیتی نیستند اما جمع آنها با عضویت شورا شبهه‌آور است.

2- تکمیل و توسعه صلاحیتها:

ممکن است قبلاً حکمی در خصوص محکومیت به پرداخت دویست میلیون ریال صادر و در زمان حاضر دعوی اعسار از پرداخت آن مطرح شود. اما بر اساس نص قانون سال 1394 طرح این ادعا در نزد قاضی شورا غیرممکن بود. این اصلاح در این جهت صورت گرفت تا قاضی شورا با وجود اینکه اصل رأی محکومیت را صادر نکرده است، بتواند به این دعاوی اعسار نیز رسیدگی کند. در مورد جزای نقدی تا هشتاد میلیون ریال نیز به منظور انطباق با شرایط زمینه‌ای و اقتضای کاهش تراکم دعاوی در دادگاه کیفری دو اصلاح لازم از لحاظ ریالی صورت گرفته است.

3- نحوه اقدام شورا در مذاکرات سازشی ارجاعی:

شورای حل اختلاف یا از جهت ماده (8) به مذاکرات سازشی وارد می‌شود یا از جهت ارجاع دادگاه. بدیهی است قانون سال 1394 در مورد نحوه عمل شورا پس از ارجاع دادگاه ساکت بود. تبصره الحاقی به ماده (11) در این خصوص تعیین تکلیف نموده است تا از تفاوت رویه‌ها جلوگیری کند.

4- تعیین تکلیف اختلاف با دادسرا:

بر اساس نص ماده (15) قانون سال 1394، دادسرا در امور مربوط به صلاحیت می‌توانست برای قاضی شورای حل اختلاف (قاضی شورا) تعیین تکلیف کند. اما برای حفظ شأن قضائی قاضی شورا اصلاحیه ماده (15) ایجاب نمود در این خصوص، نظر دادگاه کیفری دو در مقام حل

اختلاف ملاک عمل قرار گیرد.

5- صدور اجرائیه

اگرچه مطابق ماده (184) قانون آیین دادرسی مدنی گزارش اصلاحی مانند احکام دادگاهها به مورد اجراء گذاشته می‌شود، اما نحوه نگارش ماده (29) قانون 1394 به گونه‌ای بود که بعضی از قضات، اجرای گزارش اصلاحی را بی‌نیاز از صدور اجرائیه می‌پنداشتند، اما اصلاح به عمل آمده در ماده (29) و تصریح بر ضرورت صدور اجرائیه، رویه‌های مختلف را متحد می‌کند.

6- تعیین تکلیف غیبت عضو شورا:

قانون سال 1394 در مورد غیبت طولانی مدت عضو شورا در جلسات حکمی نداشت. در اصلاحیه فعلی برای این امر نیز همچون فوت و استعفا و عزل تعیین تکلیف شده است تا شعبه شورا بدون تعطیلی بتواند وظایف خود را انجام دهد.

7- اعلام تخلف:

از آنجایی که رئیس یا معاون قضائی رئیس شوراهای حل اختلاف در بازدیدهای سالانه از حوزه کاری شوراهای حل اختلاف به امر بازرسی می‌پردازند، همسو با این اقتضای میدانی علاوه بر رئیس مرکز، به معاون قضائی مرکز امور شوراهای حل اختلاف نیز اختیار داده شد تخلف قاضی شورا را به مراجع رسیدگی انتظامی گزارش دهد. لذا طرح ذیل به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود:

ملکشاهی - قاضی پور - لاهوتی - علی جانی زمانی - جعفرزاده ایمن آبادی -
محمدیان - گلمرادی - سروش - محمودزاده - سمیه محمودی -
محمد اسماعیل سعیدی - امیرحسنخانی - کمالی پور - فرهنگی - پوربافرانی -
اصغر سلیمی - صباغیان بافتی - بابائی صالح - باستانی - دلخوش اباتری -

جمالی نوبندگانی - نانواکناری - کریمی قدوسی - ملکشاهی راد - نوروزی -
 وقف چی - تابش - رضا کریمی - زرآبادی - نیازآذری - مقصودی -
 نیکزادی پناه - دهقانی فیروزآبادی - یوسف نژاد - علی ابراهیمی - شیویاری -
 حسینی کیا - بنایی - اولادقباد - ابطحی - سیده فاطمه حسینی - رنجبرزاده -
 خضری - علی اکبر کریمی - وحدتی هلان - خاتمی - بیگلری - فرشادان -
 سلام امینی - شریعت نژاد - آزادی خواه - میرزاده - نورقلی پور -
 محمودی شاه نشین - صفری - تربتی نژاد - صادقی - ترکی - جلو دارزاده -
 رجبی - موسوی لارگانی - چنارانی - رضیان - جمالی سوسفی - بیرانوندی -
 احمدی لاشکی - قربانی - تجری - محمدی (قزوین) - بختیار گلپایگانی -
 نوریان - عزیزی - علیرضا سلیمی - مازنی - حسینعلی شهریاری - نعمتی -
 حاجی دلگانی - حمداله کریمی - رضازاده - کوچکی نژاد ارم ساداتی

عنوان طرح:

اصلاح قانون شوراهاى حل اختلاف

ماده 1- ماده (3) به شرح زیر اصلاح می شود:
 ماده 3- هر شعبه شورا دارای رئیس، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو
 علی البدل است و در صورت نیاز می تواند برای انجام وظایف خود دارای
 مسؤول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضائی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از
 سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی ربط وی صادر می شود.
 ماده 2- ماده (7) به شرح زیر اصلاح می شود:
 ماده 7- قضات، کارکنان دادگستری، وکلاء و مشاوران حقوقی، کارشناسان و
 مشاوران حقوقی دستگاههای اجرائی، سردفتران اسناد رسمی و ازدواج و طلاق،

کارکنان دفاتر خدمات قضائی، کارشناسان رسمی دادگستری و کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران و نیروهای اطلاعاتی تا زمانی که در سمت‌های شغلی خود هستند حق عضویت در شورا را ندارند.

ماده 3- بندهای «ث» و «ح» تبصره (3) ماده (9) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
ث - ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی یا محکوم‌به در صورتی که قاضی شورا نسبت به دعوی دارای صلاحیت رسیدگی بوده و یا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ح - جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات نقدی حداکثر تا هشتاد میلیون ریال و کمتر، از قبیل رانندگی بدون گواهینامه باشد.

تبصره 3- صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش می‌باشد که در صورت صدور گزارش اصلاحی پس از تأیید قاضی شورای شهرستان مربوط به طرفین ابلاغ می‌شود.

ماده 4- تبصره ماده (11) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره - در اجرای این ماده، شوراها مکلفند برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی یا تصمیم قانونی دیگر، به طور مستند به مرجع قضائی ارجاع‌کننده اعلام کنند.

ماده 5- ماده (15) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 15- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با دادگاه، نظر دادگاه لازم‌الاتباع است.

تبصره - در صورتی که در رسیدگی‌های کیفری بین صلاحیت شورای حل اختلاف و دادسرا اختلاف حاصل شود، حل اختلاف با دادگاه کیفری دو همان حوزه است.

ماده 6- ماده (29) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود:

ماده 29- اجرای آرای قطعی در امور مدنی و گزارش اصلاحی به درخواست ذی‌نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی و اجرای احکام قطعی در امور کیفری طبق مقررات آیین دادرسی کیفری توسط قاضی واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف محل به عمل می‌آید.

ماده 7- ماده (32) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود:

ماده 32- در صورت فوت، غیبت، استعفا یا عزل اعضای شورا، عضو علی‌البدل با دعوت رئیس شعبه شورا جایگزین عضو مذکور می‌شود.

ماده 8- ماده (39) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 39- چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود، مراتب توسط رئیس حوزه قضائی یا هیأت موضوع مواد (34) و (37) و یا توسط رئیس مرکز امور شوراها به دادسرای انتظامی قضات اعلام می‌شود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرائم قضات رسیدگی شود.

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً، در اجرای آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و ماده (4)

قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 نظر

معاونت قوانین در مورد طرح اصلاح قانون شوراهای حل اختلاف تقدیم می شود.

معاون قوانین

نظر اداره کل تدوین قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (2) و (4) ماده (4) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۱- سابقه تقدیم:

ماده 130- C قبلاً تقدیم نشده است.

- E قبلاً در جلسه علنی شماره مورخ تقدیم و در تاریخ در E مجلس/ E کمیسیون (موضوع اصل 85 قانون اساسی) رد شده و اینک:

E با تغییر اساسی
E با تقاضای کتبی 50 نفر از نمایندگان (مشروط به تصویب مجلس)

E پیش از انقضاء شش ماه
E بدون تغییر اساسی

E با انقضاء شش ماه
E با تقاضای کتبی کمتر از 50 نفر از نمایندگان

مجدداً قابل پیشنهاد به مجلس
E می‌باشد.

E نمی‌باشد.

۲- در اجرای بند (۲) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور:

E رعایت شده است.

در طرح تقدیمی آیین نگارش قانونی و ویرایش ادبی E رعایت شده است. (با اعمال نظر کارشناسی)

C رعایت نشده است، دلایل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

۳- از نظر آیین نامه داخلی مجلس (شکلی):

الف - ماده 127-

اول - حداقل امضاء لازم (15 نفر) C دارد.
E ندارد.

دوم - موضوع و عنوان مشخص C دارد.
E ندارد.

سوم - دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد در مقدمه C دارد.
E ندارد.

چهارم - موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان C دارد.
E ندارد.

ب - ماده 138 - طرح تقدیمی دارای E یک موضوع است و پیشنهاد آن به عنوان E ماده واحده مواجه با ایراد C نمی‌باشد.
C بیش از یک موضوع E می‌باشد.

۴- در اجرای بند (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵:

اول: از نظر قانون اساسی؛

طرح تقدیمی با قانون اساسی بطور کلی مغایرت ندارد.

۴ دارد، اصل / اصول مغایر و دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

دوم: از نظر سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز؛

طرح تقدیمی با سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

سوم: از نظر قانون برنامه؛

طرح تقدیمی با قانون برنامه مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

چهارم: از نظر آیین نامه داخلی مجلس (ماهوی)؛

الف- طرح تقدیمی با قانون آیین نامه داخلی مجلس مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

ب- ماده 140- رعایت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی شده است.

۴ نشده است، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

ج- ماده 181- موجب اصلاح یا تغییر برنامه مصوب نمی شود و نیاز به

۲ رأی نمایندگان ندارد.
۳ می شود ۴ دارد.

تعداد یک برگ اظهار نظر به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیر کل تدوین قوانین

۵- طرح تقدیمی از حیث پیشگیری از وقوع جرم با بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی مغایرت ندارد.
۴ دارد.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

ضمیمه نظر اداره کل تدوین قوانین

بیان مستندات و دلایل مغایرت:

- 1- در ماده (1) از آنجا که فقط واژه «شعبه» به ابتدای آن اضافه شده است نیازی به بازنویسی مجدد کل ماده نمی‌باشد. پیشنهاد می‌شود ماده (1) به شرح زیر اصلاح شود:
ماده 1- در صدر ماده (3) قانون، قبل از کلمه «شورا»، کلمه «شعبه» اضافه شود.
- 2- در ماده (2) عبارت «نیروهای اطلاعاتی» مبهم است؛ اگر منظور نیروهای وزارت اطلاعات است باید به این امر تصریح شود.
- 3- ماده (3) در بند «ح» دارای اشکال عبارتی است. بدین معنا که ماده (723) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) مجازات رانندگی بدون گواهینامه را حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است در حالی که در بند «ح» صرفاً مجازاتهای مستوجب جزای نقدی را در صلاحیت شورا دانسته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود کلمه «صرفاً» از این بند حذف گردد، در ضمن عبارت «و کمتر» در این بند زائد است.
- 4- در ماده (4) طرح نیز تبصره نیاز به بازنویسی ندارد. پیشنهاد می‌شود ماده (4) به شرح زیر نگاشته شود:
در تبصره ماده (11) بعد از عبارت «ادامه رسیدگی»، عبارت «یا تصمیم قانونی دیگر» اضافه شود.
- 5- صدر ماده (5) به شرح زیر اصلاح شود:
«ماده (15) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:
ماده 15-...»
- 6- ماده (6) طرح بدین شرح اصلاح شود: در ماده (29) قانون بعد از عبارت «امور مدنی» عبارت «و گزارش اصلاحی» اضافه می‌شود و تبصره این ماده حذف می‌گردد.
- 7- در ماده (8) بعد از عبارت «مواد (34) و (37)» عبارت «این قانون» اضافه شود.

نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (1) و (3) ماده (4) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می شود:

۱- در اجرای بند (۱):

الف- در خصوص طرح تقدیمی قوانین متعارض Ⓒ وجود ندارد.

Ⓓ وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم می شود.

ب- در خصوص طرح تقدیمی قوانین مرتبط Ⓓ وجود ندارد.

Ⓒ وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم می شود.

۲- در اجرای بند (۳):

با عنایت به بررسی های به عمل آمده قانونگذاری در این موضوع Ⓒ لازم است.
Ⓓ لازم نیست.

تعداد هجده برگ سوابق قانونی و نظر اداره کل به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیر کل اسناد و تنقیح قوانین

ضمیمه نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین نظر اداره کل به انضمام سوابق قانونی

الف - نظر اداره کل

- 1- با توجه به آزمایشی بودن قانون مذکور و پایان مدت اعتبار آن لازم است در این طرح، به تمدید آن اشاره گردد.
- 2- تاریخ تصویب قانون شوراهای حل اختلاف (1394/9/16) درج گردد.
- 3- در ماده 1 طرح که به اصلاح ماده (3) قانون شوراهای حل اختلاف پرداخته با توجه به اینکه فقط یک واژه «شعبه» اضافه شده است نیازی به نگارش دوباره کل ماده نیست. پیشنهاد می گردد بدین صورت نوشته شود:
ماده 1- در ماده (3) واژه شعبه در صدر ماده و قبل از واژه شورا اضافه گردد.
- 4- عبارت نیروهای اطلاعاتی مندرج در ماده 2 طرح مبهم است و باید مصادیق آن احصاء گردد.
- 5- در مورد آن قسمت از ماده 3 طرح که به اصلاح بند (ح) ماده 9 قانون پرداخته است لازم به ذکر است که رانندگی بدون گواهینامه به موجب ماده 723 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مستوجب حبس یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات است و نیز در صورت تکرار دو تا شش ماه حبس دارد و از آنجا که مجازات این جرم صرفاً جزای نقدی نمی باشد ذکر آن به عنوان مصداق بند (ح) ماده (9) قانون شوراهای حل اختلاف صحیح نیست. پیشنهاد می گردد این جرم که به عنوان نمونه ذکر شده است حذف گردد.
- 6- در ماده 4 طرح، از آنجا که فقط عبارت «یا تصمیم قانونی دیگر» اضافه شده است نیازی به نگارش دوباره کل ماده نیست و فقط عبارت مذکور الحاق گردد. پیشنهاد می گردد بدین صورت نوشته شود:
ماده 4- در تبصره ماده (11) قانون بعد از عبارت «دامه رسیدگی»، عبارت «یا تصمیم قانونی دیگر» اضافه شود.
- 7- در ماده 5 طرح؛ با توجه به الحاق یک تبصره به ماده (15) قانون لازم است در در ماده 5 طرح به این موضوع (الحاق یک تبصره) هم اشاره گردد. پیشنهاد می گردد بدین صورت نوشته شود:
ماده (5) ماده (15) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:
- 8- در ماده 6 طرح؛ با توجه به اینکه فقط عبارت «و گزارش اصلاحی» اضافه شده است نیازی به نگارش دوباره کل ماده نیست و فقط عبارت مذکور الحاق گردد.

پیشنهاد می‌گردد بدین صورت نوشته شود:
 ماده 6- در ماده (29) قانون بعد از عبارت «امور مدنی» عبارت «و گزارش اصلاحی» اضافه می‌شود و تبصره این ماده حذف می‌گردد.
 9- در ماده 8 طرح بعد از مواد 34 و 39 عبارت «این قانون» درج گردد.

ب- سوابق قانونی

جدول سوابق قانونی طرح اصلاح قانون شوراهای حل اختلاف

ردیف	عنوان	تاریخ تصویب	مواد
1	قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات و الحاقات بعدی	1379/01/17	189
2	قانون شوراهای حل اختلاف	1394/09/16	کل مواد
3	قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) با اصلاحات و الحاقات بعدی	1379/01/21	184
4	قانون آیین دادرسی کیفری با اصلاحات و الحاقات بعدی	1392/12/04	484 الی 512 و 541 الی 549

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1379/01/17 با اصلاحات و الحاقات بعدی

ماده 189- به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی و در راستای توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضائی ندارد و یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

قانون شوراهای حل اختلاف مصوب 1394/09/16

ماده 1- به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می گردد.

تبصره- تعیین محدوده فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضائی به عهده رئیس همان حوزه قضائی می باشد.

ماده 2- شوراهای حل اختلاف در شهرها و در صورت لزوم در روستاها به تعداد لازم تشکیل می گردد.

تبصره- رئیس قوه قضائیه می تواند برای رسیدگی به امورخاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

ماده 3- هر شورا دارای رئیس، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل است و در صورت نیاز می تواند برای انجام وظایف خود دارای مسؤول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضائی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی ربط وی صادر می شود.

ماده 4- در هر حوزه قضائی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی شورا نامیده می شوند، مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می نمایند.

تبصره 1- قوه قضائیه می تواند برای تأمین قضات شورا از میان قضات شاغل یا بازنشسته استفاده نماید.

تبصره 2- مرکز امور شوراها می تواند از قضات شورا به صورت تمام وقت یا پاره وقت استفاده نماید.

تبصره 3- رئیس قوه قضائیه می تواند یک قاضی را برای چند شورا تعیین کند.

ماده 5- حکم انتصاب قاضی شورا توسط رئیس قوه قضائیه و حکم انتصاب هر یک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در این قانون، با پیشنهاد رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز امور شوراها صادر می شود.

ماده 6- اعضای شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

الف- متدین به دین مبین اسلام

ب- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

پ- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه

ت- حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل

ث- عدم استفاده از مشروبات الکلی و عدم اعتیاد به مواد مخدر یا روانگردان

ج- حداقل سی سال سن تمام

- چ - کارت پایان خدمت و وظیفه عمومی یا معافیت از آن برای مشمولان
- ح - حداقل مدرک کارشناسی یا مدرک حوزوی معادل برای تمام اعضای شورای حل اختلاف شهر و در شورای روستا سواد خواندن و نوشتن و ترجیحاً داشتن دیپلم و بالاتر
- خ - متأهل بودن
- د - سابقه سکونت در حوزه شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سکونت پس از عضویت
- ذ - نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی
- تبصره 1- برای عضویت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته های حقوق قضایی یا الهیات باگرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شورای حل اختلاف شهر باید از میان دارندگان مدارک تحصیلی فوق باشد.
- تبصره 2- افرادی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون به عضویت شوراها در آمده اند در صورت نداشتن شرایط موضوع بندهای (ح) و (خ) ادامه عضویتشان بلامانع است.
- تبصره 3- رئیس قوه قضائیه می تواند برای صلح و سازش در دعاوی و شکایات اقلیت های دینی موضوع اصل سیزدهم (13) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای حل اختلاف خاص آنان تشکیل دهد. اعضای این شورا باید متدین به دین خود باشند.
- تبصره 4- اعضای شورا قبل از شروع به کار مکلفند مطابق سوگندنامه ای که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تصویب می شود، سوگند یاد نمایند.
- ماده 7- قضات، کارکنان دادگستری، وکلا و مشاوران حقوقی، کارشناسان رسمی دادگستری و کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران و نیروهای اطلاعاتی تا زمانی که در سمت های شغلی خود هستند حق عضویت در شورا را ندارند.
- ماده 8- در موارد زیر شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نمایند.
- الف - کلیه امور مدنی و حقوقی
- ب - کلیه جرائم قابل گذشت
- پ - جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت
- تبصره - در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید، شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می نماید.
- ماده 9- در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید:
- الف - دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال (200000000) ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگستری مطرح می باشند.
- ب - تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق

کسب و پیشه

پ - دعاوی تعدیل اجاره بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد

ت - صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن

ث - ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ج - دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف) در صورتی که مشمول ماده (29) قانون حمایت خانواده مصوب 1391/12/1 نباشند.

چ - تأمین دلیل

ح - جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد.

تبصره 1- بهای خواسته بر اساس نرخ واقعی آن تعیین می گردد، چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی رأساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می کند.

تبصره 2- شورای حل اختلاف مجاز به صدور حکم شلاق و حبس نمی باشد.

تبصره 3- صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش می باشد.

ماده 10- دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

الف - اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب - اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

پ - دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی

ت - دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

ث - اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضائی غیر دادگستری می باشد.

ماده 11- در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت، مرجع قضائی رسیدگی کننده می تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار برای مدت حداکثر سه ماه موضوع را به شورا ارجاع نماید.

تبصره- در اجرای این ماده، شوراها مکلفند برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی به طور مستند به مرجع قضائی ارجاع کننده اعلام نمایند.

ماده 12- شوراها باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال اشخاص صغیر، مجنون و غیر رشید

که فاقد ولی یا قیم باشند و غایب مفقودالثر، همچنین ماترک متوفای بلاوارث و اموال مجهول المالک به عمل آورند و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کنند. شوراها حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارند.

ماده 13- در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراها به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف - در مورد شوراهای واقع در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه است.

ب - در مورد شوراهای واقع در حوزه های قضائی شهرستان های یک استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضائی شهرستان مرکز استان است.

پ- در مورد شوراهای واقع در دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صلاحیت شورای واقع در آن استان اظهارنظر شده است.

ماده 14- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت شورای حل اختلاف با سایر مراجع غیر دادگستری در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضائی مربوط است و در حوزه های قضائی مختلف یک استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است. در صورت بروز اختلاف شوراهای حل اختلاف با مراجع غیر دادگستری واقع در حوزه دو استان، به ترتیب مقرر در بند (پ) ماده (13) این قانون عمل می‌شود.

ماده 15- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با مرجع قضائی، نظر مرجع قضائی لازم الاتباع است.

ماده 16- رسیدگی شوراها با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای خواهان یا متقاضی می‌رسد.

ماده 17- درخواست رسیدگی متضمن موارد زیر است:

الف - نام و نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفین دعوی

ب - موضوع خواسته و همچنین تقویم آن در امور مالی

پ - موضوع درخواست یا اتهام

ت - دلایل و مستندات درخواست یا شکایت

ماده 18- رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره 1- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره 2- مقررات ناظر به صدور رأی، وخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در این ماده مستثنی و تابع این قانون است.

ماده 19- رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

تبصره 1- منظور از تشریفات در این ماده، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

تبصره 2- چنانچه خوانده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا لایحه ای ارسال نکند و این دعوت مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ نباشد، شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند.

ماده 20- طرفین می توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل دادگستری استفاده نمایند.

ماده 21- در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضائی صالح به عمل می آید.

ماده 22- شورای حل اختلاف علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می تواند تحقیق محلی، معاینه محل، تأمین دلیل را نیز با ارجاع قاضی یا رئیس شورا توسط یکی از اعضاء به عمل آورد.

ماده 23- هزینه رسیدگی شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعوی کیفری و غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد (50%) آن است. رسیدگی به دعوی مشمول ماده (8) این قانون بدون هزینه دادرسی است.

درآمد حاصل از هزینه دادرسی، جریمه های قانونی و نیم عشر اجرای آرای موضوع این قانون و سایر موارد قانونی به خزانه داری کل کشور واریز و صد درصد (100%) مبلغ واریزی از محل اعتبار خاصی که به همین منظور هر ساله در قانون بودجه کل کشور منظور می شود به شوراها اختصاص و پرداخت می شود تا به صورت کمک در موارد زیر هزینه گردد:

الف- پرداخت پاداش به اعضاء و کارکنان شوراها

ب- هزینه تعمیرات و تجهیزات و هزینه های اداری مرکز امور شوراها

پ- بیمه تأمین اجتماعی کارکنان و اعضاء شورا.

تبصره- رئیس قوه قضائیه می تواند از منابع موضوع این ماده برای پرداخت پاداش به قضات بازنشسته که در اجرای این قانون فعالیت می کنند، اختصاص دهد.

ماده 24- در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می شود، در غیر اینصورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس منعکس و مراتب به مرجع قضائی صالح اعلام می شود.

ماده 25- رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است، مگر اینکه محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی حاضر نشده و یا به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد.

ماده 26- محکوم علیه غائب حق دارد مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به رأی غیابی

اعتراض کند.

ماده 27- تمام آرای صادره موضوع ماده (9) این قانون ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آرای قاضی شورا حسب مورد، دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری دو همان حوزه قضائی می‌باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آرای صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌کند. این رأی، قطعی است و اگر رسیدگی به موضوع در صلاحیت مرجع دیگری باشد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.

تبصره 1- گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است.

تبصره 2- هرگاه رأی مرجع تجدیدنظر در مقام رد صلاحیت شورا باشد رسیدگی ماهوی انجام و رأی اخیر به عنوان رأی شعبه بدوی تلقی و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری قابل تجدیدنظر است.

تبصره 3- هزینه دادرسی رسیدگی در مراحل تجدیدنظرخواهی حسب مورد بر اساس هزینه دادرسی طرح دعوی در آن مرجع است.

ماده 28- هرگاه در تنظیم یا نوشتن رأی سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن کلمه ای یا اضافه شدن آن و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که نسبت به آرای مذکور اعتراض نشده است، قاضی شورا رأساً یا با درخواست ذی نفع رأی را تصحیح می‌کند و رأی تصحیح شده به طرفین ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رأی تصحیح شده ممنوع است.

ماده 29- اجرای آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذی نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی و اجرای احکام قطعی در امور کیفری طبق مقررات آیین دادرسی کیفری توسط قاضی واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف محل به عمل می‌آید.

تبصره- گزارش های اصلاحی تنظیم شده توسط شورای حل اختلاف به دستور قاضی شورا توسط واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف اجراء می‌شود.

ماده 30- چنانچه محکوم علیه، محکوم به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیاید، با تقاضای ذی نفع و دستور قاضی شورا مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی به واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف اعلام می‌شود.

ماده 31- عضویت در شورا افتخاری است. قوه قضائیه به تناسب فعالیت و میزان همکاری قضات، اعضاء و کارکنان شورا پاداش مناسب پرداخت می‌کند.

در خصوص اعضاء و کارکنان تمام وقت نیز با رعایت حداقل پرداخت حقوق مطابق قانون کار پاداش پرداخت می‌نماید.

ماده 32- در صورت فوت یا استعفاء یا عزل اعضای شورا، عضو علی البدل با دعوت رئیس

حوزه قضائی جایگزین عضو مذکور می‌شود.

تبصره - در غیاب عضو شورا، با دعوت رئیس شورا، عضو علی‌البدل عهده دار وظیفه وی می‌باشد.

ماده 33- چنانچه اعضاء یا کارکنان شورا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط عضویت در شورا را از دست بدهند، رئیس حوزه قضائی مراتب را مستنداً جهت رسیدگی به هیأت رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء و کارکنان شورا موضوع ماده (34) این قانون اعلام می‌کند.

ماده 34- هیأت رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء شورا مرکب از یک نفر قاضی با انتخاب رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای حل اختلاف استان و مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان می‌باشد.

تبصره - رئیس قوه قضائیه هیأت یاد شده را برای مدت سه سال منصوب می‌کند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده 35- تخلفات اعضاء و کارکنان شورا به قرار زیر است:

الف - اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا عضویت

ب - عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط

پ - ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام وظایف قانونی بدون دلیل

ت - تبعیض یا اعمال غرض یا برقراری روابط خارج از عرف اداری با اشخاص مراجعه کننده

ث - ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری بدون مجوز

ج - غیبت غیرموجه، تکرار در تأخیر ورود به محل کار یا تکرار در تعجیل خروج از آن بدون کسب مجوز

چ - کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده

ح - عدم رعایت حجاب اسلامی

خ - عدم رعایت شئون و شعائر اسلامی

د - اخذ هرگونه وجه، مال یا امتیاز من غیرحق

ذ - تسامح در حفظ اموال و اسناد و ایراد خسارت به اموال بیت المال

ر - ارائه گواهی یا گزارش خلاف در امور مربوط به شورا

ز - تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند

ژ - اعتیاد به مواد مخدر یا روانگردان و استعمال آنها

س - غیبت غیرموجه به صورت متناوب یا متوالی تا چهار جلسه برای اعضاء و چهار روز

برای کارکنان در طول ماه

ش - کارشکنی، شایعه پراکنی، وادار ساختن و تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و یا اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی
ص - عضویت در یکی از فرقه های ضالّه که مبانی آن از نظر اسلام مردود شناخته شده است.

ض - عضویت در سازمان هایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.

ماده 36- چنانچه هیأت رسیدگی کننده بدوی پس از دعوت از عضو یا کارکنان شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات آنها تخلف آنان را احراز نماید به تناسب عمل ارتكابی در مورد ارتكاب به تخلفات پیش بینی شده در بندهای (الف) تا (خ) ماده (35) برای بار اول و دوم مرتکب را به یکی از مجازات های ردیف (الف) تا (پ) این ماده و در مورد تخلفات پیش بینی شده در بندهای (د) تا (ض) ماده (35) و تکرار تخلفات بندهای (الف) تا (خ) در بار سوم، مرتکب را به یکی از مجازات های پیش بینی شده در بندهای (ت) و یا (ث) این ماده به شرح زیر محکوم می کند:

الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده

ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده

پ - کسر پاداش تا یک سوم به مدت یک ماه تا یک سال

ت - محرومیت از کار در شورا از یک ماه تا یک سال

ث - محرومیت دائمی از کار در شورا

ماده 37- آرای صادره از هیأت بدوی در مورد مجازات های مقرر در بندهای (الف) تا (پ) ماده (36) قطعی و در مورد بندهای (ت) و (ث) آن ماده ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء و کارکنان شورا است. این هیأت مرکب از سه عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل است که از بین قضات دارای پایه (9) قضائی یا بالاتر با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای مدت سه سال منصوب می شوند و انتصاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره - هیأت موضوع این ماده در مرکز امور شوراهای تشکیل می شود، در صورت ضرورت با پیشنهاد رئیس امور شوراهای تشکیل آن در مراکز استان ها نیز بلامانع است.

ماده 38- چنانچه اعضای شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده (588) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات مصوب 1375/3/2) محکوم می شوند.

ماده 39- چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود، مراتب توسط رئیس حوزه قضائی یا هیأت موضوع ماده (34) این قانون به دادسرای انتظامی

قضات اعلام می‌شود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرائم قضات رسیدگی شود.

ماده 40- چنانچه اعضای شورا در آزمون استخدام قضات، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شوند و حداقل سه سال سابقه همکاری با شورا داشته باشند و حسن سابقه آنان به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد مدت کارآموزی آنان به نصف تقلیل می‌یابد.

تبصره- در صورت شرکت اعضاء و کارکنان شوراهای حل اختلاف موضوع این ماده در آزمون های استخدام اداری دادگستری از بیست درصد (20%) سهمیه استخدام برخوردار و مدت خدمت آنان با تأیید رئیس شورای حل اختلاف استان از شرایط سنی کسر و همچنین این مدت در صورت وجود سابقه قبلی مبنی بر پرداخت حق بیمه مطابق مقررات مربوطه، جزء سنوات خدمت آنان محسوب می‌شود.

ماده 41- پرونده هایی که تا زمان اجرای این قانون منتهی به اتخاذ تصمیم نشده باشد، با رعایت مقررات این قانون در شوراها رسیدگی و نسبت به آنها اتخاذ تصمیم می‌شود.

ماده 42- در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می‌کند، رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی الزامی است.

ماده 43- جهت تقویت و توسعه شوراها، وزارتخانه ها و سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی و قضائی، ملزم به همکاری با این نهاد، به ویژه تأمین و تخصیص نیروی اداری و قضائی لازم از طریق مأمور به خدمت شدن کارکنان دولت در شوراها هستند.

ماده 44- رئیس قوه قضائیه می‌تواند حسب نیاز، سالانه تعدادی از کارآموزان قضائی را به عنوان قاضی شورا تعیین نماید و نقل و انتقال آنان مطابق نقل و انتقال قضات می‌باشد.

ماده 45- دولت مکلف است هر ساله بودجه مورد نیاز شوراها را بر اساس بودجه پیشنهادی قوه قضائیه در قالب ردیف مستقل پیش بینی کند. تأمین امکانات اداری و تجهیزات و مکان و امور مالی و پشتیبانی شوراها به عهده قوه قضائیه است.

ماده 46- آیین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب آن، توسط وزیر دادگستری با همکاری مرکز امور شوراها تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

قانون فوق مشتمل بر چهل و شش ماده و بیست و هفت تبصره در جلسه مورخ شانزدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (85) قانون اساسی تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال در تاریخ 1394/10/9 به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب 1379/01/21 با اصلاحات و الحاقات بعدی

ماده 184- دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعوای یا امور دیگری باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392/12/04 با اصلاحات و الحاقات بعدی

ماده 484- (اصلاحی 1394/03/24) اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عهده دار این وظیفه است.

تبصره 1- معاونت اجرای احکام کیفری، می‌تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد.

تبصره 2- معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن می‌تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه در زندان ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. شیوه استقرار و اجرای وظایف آنها به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره 3- در حوزه قضائی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل است.

ماده 485- معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد.

تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضائی داشته باشد.

ماده 486- قوه قضائیه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضائی هر شهرستان ایجاد می‌نماید.

ماده 487- مددکاران اجتماعی از بین فارغ التحصیلان رشته های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی و حقوق استخدام می‌شوند.

تبصره- در رشته های مذکور، اولویت با فارغ التحصیلان رشته مددکاری اجتماعی است.

ماده 488- در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی

برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود:

الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری

ب- تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثرائتگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی

پ- ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات

تبصره 1- ترتیب ثبت و تنظیم این مشخصات، امکان دسترسی به این اطلاعات و چگونگی تشکیل و راه اندازی شبکه الکترونیکی سجل کیفری با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره 2- اقدامات موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده با همکاری نیروی انتظامی و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی صورت می‌گیرد.

ماده 489- وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

الف- صدور دستور اجرای احکام لازم الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها

ب- نظارت بر زندان ها در امور راجع به زندانیان

پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات

ت- اعطای مرخصی به محکومان بر اساس قوانین و مقررات

ث- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری های روانی و بیماریهای جسمی صعب العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات

ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

ماده 490- آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می‌شود:

الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند.

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

ماده 491- هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم

دادگاه اقدام می‌کند.

ماده 492- هرگاه رأی، در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام در مورد بقیه لازم‌الاجراء است.

ماده 493- اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم‌الاجراء آن نیست.

ماده 494- عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید.

ماده 495- آراء کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجراء می‌شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای رأی باید توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمانها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجراء و ارائه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجراء و اقدامات آنها نظارت دارد.

ماده 496- تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می‌شود.

ماده 497- رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادر کننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

ماده 498- هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین گردد، به همان ترتیب اجراء می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی، رأی را اجراء می‌کند.

ماده 499- اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند.

ماده 500- محکوم علیه برای اجرای رأی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می‌شود تا محکوم علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند.

تبصره- در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم علیه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند با ذکر دلیل در پرونده، از ابتداء دستور جلب محکوم علیه را صادر کند.
ماده 501- اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

الف- دوران بارداری

ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه

پ- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی

ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه

ماده 502- هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادر کننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

تبصره- هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

ماده 503- هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود.

تبصره- محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

ماده 504- در غیر مجازات حبس، هرگاه رئیس قوه قضائیه با عفو یا تخفیف مجازات محکوم علیه برای پیشنهاد به مقام رهبری موافقت کند و دستور توقف اجرای حکم دهد، اجرای حکم متوقف می‌شود.

ماده 505- در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجراء صادر می‌کند.

ماده 506- موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است، تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات

قانونی باشد.

ماده 507- چنانچه اجرای مجازات مستلزم دسترسی به محکوم^۱ علیه به دفعات باشد و محکوم^۲ علیه در پرونده فاقد قرار تأمین بوده و یا قرار صادره متناسب نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات، قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

ماده 508- قاضی اجرای احکام کیفری درباره درخواست محکوم^۳ علیه، کفیل یا وثیقه گذار مبنی بر تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه گذار و یا جایگزینی وثیقه، تصمیم می‌گیرد.

ماده 509- هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم^۴ علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می‌تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم^۵ علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می‌کند.

ماده 510- هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم^۶ علیه دارای محکومیت های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- اگر احکام به طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاهها پرونده ها را به دادگاه صادر کننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود.

ب- اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادر کننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد.

پ- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه های قضایی استان های مختلف یا در دادگاههای با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

تبصره- در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند.

ماده 511- هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم^۷ علیه محکومیت های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید.

تبصره- هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده به آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادرکننده آن ارسال کند.

ماده 512- شخصی که به موجب حکم قطعی، براءت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم براءت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شود.

ماده 541- هرگاه اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم^۱ له باشد و در تقاضای اجرای آن، بدون داشتن عذر موجه، تأخیر کند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری به وی ابلاغ می‌شود تا ظرف سه ماه تصمیم خود را درباره اجرای حکم اعلام کند. در صورت سپری شدن این مدت و عدم وصول درخواست اجرای حکم بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری قرار تأمین صادره را لغو می‌کند. در این صورت، چنانچه محکوم^۱ علیه به علت دیگری در حبس نباشد، آزاد و پرونده به طور موقت بایگانی می‌شود.

ماده 542- هرگاه محکوم به سلب حیات، در غیر جرائم مستوجب حد که قابل عفو نیستند و قصاص پس از لازم‌الاجراء شدن حکم و پیش از اجرای آن درخواست عفو کند، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن فقط برای یک بار تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان به تأخیر می‌افتد. کمیسیون مزبور مکلف است حداکثر ظرف دو ماه به این تقاضا رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند.

تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است، حداقل یک هفته پیش از اجرای حکم سلب حیات موضوع این ماده، مراتب را به محکوم^۱ علیه اعلام کند.

ماده 543- پیش از اجرای حکم سلب حیات، مراسم مذهبی توسط اشخاص واجد صلاحیت اجراء می‌شود. هنگام اجرای حکم باید دادستان یا نماینده او، قاضی اجرای احکام کیفری، فرمانده نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، پزشک قانونی یا پزشک معتمد و منشی دادگاه حضور داشته باشند. هرگاه اجرای حکم در محوطه زندان صورت گیرد، رئیس زندان یا نماینده وی نیز حضور می‌یابد. وکیل محکوم^۱ علیه نیز می‌تواند برای اجرای حکم حاضر شود. پس از حاضر کردن محکوم^۱ علیه در محل اجرای حکم، منشی دادگاه، حکم را با صدای رسا قرائت می‌کند. سپس به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، حکم اجراء شده، صورت‌مجلس تنظیم می‌شود و به اعضای حاضران می‌رسد.

ماده 544- احکام حدود و سایر احکام راجع به قصاص و دیات طبق مقررات مربوط اجراء می‌شود.

ماده 545- شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می‌شود.

ماده 546- نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم است.

ماده 547- قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم تبعید یا اقامت اجباری، در صورت ضرورت و با أخذ تأمین مناسب به محکومان به تبعید یا اقامت اجباری با رعایت مفاد ماده (520) این قانون مرخصی اعطاء می‌کند.

ماده 548- اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه‌ای معین محکوم می‌شوند، از محل تعیین شده اخراج می‌شوند و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می‌شود.

ماده 549- آیین‌نامه اجرائی نحوه اجرای مجازات های سلب حیات، قطع عضو، قصاص عضو و جرح، شلاق، تبعید، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده 550- اجرای احکام رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است.